

## EDITORIAL

### کوتاه سخنی در باب پیشینه افراد کوتوله در متون ادبی و تاریخی فارسی

#### A Short Speech about the History of Dwarfs in Persian Literary and Historical Texts

Manizheh Abdollahi<sup>1</sup>

1- Department of Persian literature & Language, Paramedical School, ShirazUniversity of Medical Sciences, Shiraz,Iran.

**Correspondence:** Manizheh Abdollahi; Department of Persian literature & Language, Paramedical School, ShirazUniversity of Medical Sciences, Meshkinfaam St., Shiraz,Iran.

manijeh.abdolahi@gmail.com

منیژه عبدالمهی<sup>۱</sup>

۱- بخش زبان و ادبیات فارسی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

نویسنده مسئول: منیژه عبدالمهی، بخش زبان و ادبیات فارسی، دانشکده پیراپزشکی، خیابان مشکین فام، شیراز، ایران  
manijeh.abdolahi@gmail.com

در شماره‌ی پیشین این نشریه مطلبی درخصوص عجایب‌نامه‌ها با عنوان بحثی کوتاه در باب عجایب نامه‌ها (دوره ششم شماره ۶، فوریه ۲۰۱۷) آمده بود که محور اصلی آن مقاله و نیز مبحثی که در این شماره از نظر تان می‌گذرد آن است که اگر پژوهنده‌ای در حوزه‌ی زیست‌شناسی علوم پزشکی مایل باشد درخصوص ناهنجاری‌های جسمانی برخی افراد بشری تحقیق کند، برای ادراک سابقه‌ی تاریخی موضوع ناگزیر است جست‌وجوی خود را لابه‌لای متون کهن فارسی، از ادبیات گرفته تا جغرافی و از عجایب نامه‌ها گرفته تا متون تفسیری گسترش دهد. به عنوان نمونه در موضوع انسان‌هایی که رشد طبیعی ندارند و اصطلاحاً کوتوله نامیده می‌شوند، از نظر سابقه‌ی تاریخی می‌توان به متون مقدس، هم‌چون عهد عتیق و به‌ویژه قرآن کریم و تفسیری که از ذوالقرنین ارائه می‌شود، توجه کرد. توضیح آن که در سوره‌ی کهف در آیه‌های ۸۳ تا ۹۸ در پاسخ به پرسش مشرکان داستان ذوالقرنین آمده است به این صورت که حق تعالی با الطاف خود توانایی‌هایی به ذوالقرنین اعطا نمود که



بتواند طی سه سفر یکی به سوی مغرب، دیگری به سمت مشرق و سوم در سفری به تنگه‌ای محصور در میان کوه‌ها با شگفتی‌های جهان روبه‌رو شود. ذوالقرنین در سفر اخیر با قومی روبه‌رو شد که زندگی ابتدایی داشتند تا آن حد که زبان نمی‌دانستند و این قوم همواره از موجوداتی در آن سوی کوه که به سمت آنان هجوم می‌آوردند، در آزار بودند و از او درخواست کردند سدی میان آن‌ها و قوم تاراج‌گر که به یاجوج و ماجوج شهره شده‌اند، بسازد و چنین شد که ذوالقرنین سدی رویین برای محافظت آن‌ها بنا نهاد. صرف نظر از تفسیرهای گوناگون که ذوالقرنین مطرح شده در قرآن کیست و قول مشهور آن که با کوروش هخامنشی انطباق دارد، آنچه در این نوشتار مورد بحث است آن است که قوم یاجوج و ماجوج ظاهری غیرمعمول داشته‌اند و در واقع کوتوله بوده‌اند. از نظر موقعیت مکانی بسیاری از مورخان و مفسران، تنگه‌ی موصوف در این داستان را کوه‌های قفقاز که میان دریای خزر و دریای سیاه قرار دارد، و در نزدیکی تفلیس دانسته‌اند. شواهد تاریخی دیگری نیز وجود دارد که قوم یاجوجی و ماجوجی اقوامی وحشی بودند که در شمال دریای خزر می‌زیستند و از سمت قفقاز به نقاط آبادان و متمدن داخل فلات ایران سرازیر می‌شدند و ویرانی و خسارت بسیار به بار می‌آوردند. یونانیان آن‌ها را سیت یا سکا می‌نامیدند که همان قوم منگوگ یا منچوگ یا منغول از مغولستان در شمال شرقی آسیا بوده‌اند. در عهد عتیق نیز در مواردی از گوگ و منگوگ نام برده شده که با یاجوج و ماجوج مطرح شده در سفر ذوالقرنین قابل تطبیق است و به‌ویژه در کتاب حزقیال نبی (باب ۳۸، جمله‌های ۱ و ۲) هجوم قوم جوج از ناحیه‌ی شمال پیشگویی می‌شود.

با عبور از مباحث اسطوره‌ای و افسانه‌ای و تفاسیر دینی، در متن‌های متأخر نیز ردیابی از این گونه مردمان دیده می‌شود. گذشته از منابع داستانی هم چون داستان‌های سمک عیار، طوطی نامه، داستان‌های هزار و یک شب و دیگر متن‌های داستانی نظم و نثر و به ویژه شعر فارسی (از سنایی تا سعدی و مولوی و نظامی و جامی و صائب تبریزی تا مفصل‌ترین آن در شاهنامه فردوسی) در بسیاری از متون تحقیقی در حوزه تاریخ و جامعه‌شناسی که به‌ویژه درباره‌ی دربارهای قدیم و شغل‌ها و مناصب مختلف درباری نگاشته شده، مطالبی درباره این گونه افراد وجود دارد. به عنوان نمونه می‌توان از حضور جمله‌ای از مردمان درباری که در زیر عنوان «عمله‌ی طرب» در دوران قاجار وظیفه‌ی سرگرم کردن شاه و درباریان را برعهده داشته‌اند، نام برد مهم‌ترین چهره‌ی ای که در میان این جمع قرار دارد، دلچک درباری است که با نام‌ها و شخصیت‌های مختلف چهره‌ای شاخص است که خود مبحث دیگری می‌طلبد. اما آنچه در این جا به بحث ما مربوط می‌شود آن است که در میان این گروه سرگرم‌کنندگان و در کنار کولی‌ها، لولی‌ها، شعبده‌بازان یا نیرنگ‌بازان چه در دربارهای ایران و چه سایر نقاط جهان و در میان انواع دلچک‌ها افراد کوتوله نیز حضور داشته‌اند که به تعبیر میشل فوکو در شمار دلچک‌های طبیعی که از نظر فیزیکی کامل نبودند قرار می‌گرفتند.<sup>۲</sup> لسلی فیدلر که کتاب عجایب را (freaks) درباره‌ی دلچک‌های طبیعی نگاشته نیز به حضور این گروه در دربارها اشاره دارد و یکی از دلچک‌های دربار به نام آویگدور داگن نطقی مشهور دارد که با این جمله شروع می‌شود: «آقایان یک میلیون کوتوله‌ها. آیا می‌دانید چه قدرتی در این نهفته است؟...»<sup>۳</sup>

از نظر تاریخی سابقه‌ی حضور دلچک و به تبع آن کوتوله‌ها به پیش از اسلام می‌رسد و شواهدی از بازیگران درباری بر روی موزاییک‌های کاخ بیشاپور وجود دارد<sup>۴</sup> و در گزارش سفرنامه‌نویسان نیز به حضور این گروه در دربارهای ایرانی اشاره شده است<sup>۵</sup> به جز متن‌های نوشتاری، در تصویرنگاره‌ای از شاه تهماسب، دو دلچک درباری به تصویر کشیده شده‌اند که چاق و فربه هستند.<sup>۶</sup> در دوران میانه محبوبیت کوتوله‌ها در دربار به جایی رسید که در برخی موارد راهکارهایی برای جلوگیری از رشد کودکان به منظور کوتوله‌پروری جریان یافت که سود سرشاری برای دلالان آن در پی داشت و از جمله از داروهای کوتوله‌کننده که مانع رشد طبیعی کودک بوده است استفاده می‌شد. گفته شده است این دارو ترکیبی از شیره و ریشه‌ی گل‌هایی مانند مینا و داوودی با شیر بوده است. آنچه مطرح شد گذری بسیار مختصر و شتاب‌زده بر پدیده‌ای بود که گونه‌ای ناهنجاری طبیعی قلمداد می‌شود و هدف اصلی آن نخست فتح بایی است

- 1- Jafari, 2003: 92-101.
- 2- Foucault, 2005: 98.
- 3- Masoudi, 2016: 90.
- 4- Azhand, 2006: 87.
- 5- Masoudi, 2016: 151.
- 6- Ibid.



برای توجه دادن پژوهشگران حوزه مطالعات تاریخ پزشکی به این مبحث برای بررسی‌های بیشتر و هدف دوم نشان دادن آن است که برای تحلیل و تحقیق در مباحث زیست‌شناسی و پزشکی، ناگزیر باید از لابه‌لای متون پراکنده از متون تفسیری تا شعر و تا جغرافیا و تاریخ و سفرنامه حرکت کرد که هر کدام منبعی غنی و شگفت در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهند.

#### References

- Azhand Y. [*Namayesh dar Dore Safavi*]. Tehran: Farhangestan Honar, 2006. [In Persian]
- Foucault M. *The History of Madness*. Tehran: Hermes, 2005. [In Persian]
- Jafari Y. [*Zolgharnein va Sade Yaajooj va Maajooj*]. *Mirase Javidan*. 2003; 42,43. [In Persian]
- Masoudi Sh. [*Karname Talkhakan*]. Tehran: Nashre Ney, 2016. [In Persian]





Qavam House (also widely called “Narenjstan e Ghavam”)  
is a traditional and historical house in Shiraz, Iran.

**WWW.RHM.IR**